

نقش باورهای اخلاقی والدین در تربیت فرزند

مریم رضایی^۱

چکیده

فرزندان نیاز به تربیت صحیح دارند تا رشد کنند و فردی مقید به خود و جامعه و پیرو مکتب اسلام تربیت شوند. رسیدن به چنین مقصدی در صورتی محقق می‌شود که پدران و مادران از باورهای عمیق اخلاقی صحیح برخوردار باشند. باورهای اخلاقی همان مفاهیمی هستند که در شریعت اسلامی به عنوان مسائل اخلاقی به انسان‌ها آموخته شده است. و زمانی که در فرد به صورت ملکه در آمده باشد می‌تواند در امر تربیت بر فرزندان تأثیرگذار باشد. القاء باورهای اخلاقی والدین به فرزندان اگر به صورت صحیح انجام گیرد باعث سعادت و رشد و شادابی آن‌ها می‌شود. در این نوشتار به نقش و تبیین باورهای اخلاقی والدین و اقسام آن، پرداخته و بیان شده که انتقال باورهای اخلاقی به فرزندان از وظایف سنگین والدین به شمار می‌آید. والدین زمانی می‌توانند تأثیرگذاری درستی بر فرزندان خود داشته باشند که ابتدا باورهای اخلاقی خود را طبق معیار صحیحی چون قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام ارزیابی کرده باشند تا بر اساس این معیار باورهای صحیح را به فرزندان القاء کنند. و با مدنظر قرار دادن اصول تربیتی چون صبر و بردباری، اصل هماهنگی والدین و اصل تسهیل و تسریع و ... و استفاده از روش‌ها و راهکارهای مانند تشویق و پند و موعظه و ... و با به کار بردن باورهای اخلاقی در قالب تشبیه و تمثیل و داستان، شعر و ... محقق می‌شود، از موقعیت‌های مناسب بهره ببرند تا رسیدن به هدف تربیتی آسان و سریع‌تر شود.

کلیدواژه: باورهای اخلاقی، باور، اخلاق، والدین، تربیت، فرزند.

^۱ - فارغ التحصیل سطح ۲. الزهرا گلدشت.

مقدمه

مباحث تربیتی یکی از بنیادی ترین مباحث علوم انسانی و اجتماعی است و در اخلاق و سازندگی، خود سازی و جامعه سازی به عنوان پایه های اساسی مورد ارزیابی قرار می گیرد. بدیهی است که سعادت فرد و جامعه، تکامل و ترقی انسان ها و خانواده ها، پیشرفت جوامع بشری و سلامت جسم و جان بشر همه و همه به مساله تربیت مربوط می شود. لذا تربیت از اساسی تری ن نیازهای بشر است. که احکام و ضوابط تربیتی از طریق اولین مربی عالم خداوند عزوجل، با واسطه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله به دست انسان رسیده است انسانها تنها در پرتو تربیت صحیح میتوانند موجودی هدفمند و انیشه ورز بوده، به اهداف و ارمانهای خود دست یافته و قله رفیع سعادت را فتح کنند. تربیت صحیح جز با شناخت باورهای صحیح اخلاقی کامل نمی شود. باورهای اخلاقی همان قوانین و مقرراتی است که آدمی برای داشتن حیات اجتماعی شایسته خود را باید بدان پایبند سازد تا در سایه ی به کار بستن آن رشد آدمی میسر شود. از آن جا که اسلام همواره درباره ی هر یک از سجایای اخلاقی و صفات انسان جداگانه سخن گفته و برای سخن گفته و برای حسن تربیت فرزندان وظیف پدران و مادران را بیان نموده است پس والدین باید فطریات فرزندان خود را از همان دوران کودکی با پرورش های صحیح و حمایت های عالمانه تقویت مادران کم تر و از قوه به فعلیت در آوردند تا پان زندگی ضامن خوشبختی او خواهد شود پژوهش حاضر در رابطه با نقش باورهای اخلاقی والدین در تربیت فرزند میباشد که همانند این موضوع کتاب و پایان نامه ای یافت نشد ولی در رابطه با موضوع کلی تربیت کتاب هایی چون آیین تربیت از ابراهیم امینی و دوران طلایی تربیت از محمد علی قاسمی و.. و پایان نامه هایی با عنوان تربیت مذهبی از مدینه گورروئی و نقش مادر در تربیت فرزند از زهرا رنجبر و.. به چشم آمد

مقاله حاضر به صورت فیش برداری از روش کتابخانه ای جمع آوری می شود.

عنوانهای اول و دوم به تبیین و نقش باورهای اخلاقی والدین و اقسام آن به باور های صحیح و غلط می پردازد و به این مطلب پرداخته می شود که والدین باید باورهای خود را با معیار قرار دادن قرآن و سخنان اهل البیت علیه السلام بسنجند و مورد ارزیابی قرار دهد تا اثر مثبت بر فرزندان خود داشته باشد.

در عنوان سوم به بیان پنج اصل می پردازد که این اصول حد و مرزهایی را که والدین در تربیت و انتقال باورهای اخلاقی به فرزندان باید رعایت کنند، مشخص می نماید. و آخرین عنوان راهکارها و روشها را مورد بررسی قرار می دهد. که والدین باید با موقعیت شناسی دست از روش مناسب بهره ببرند.

علاقه ای که کودک نسبت به والدین خود دارد و محبتی که از آنها می بیند سبب می شود تا به همانند سازی با ایشان همت گمارد. به همین جهت است که گفتار و رفتار والدین نقش اساسی در تربیت و انتقال باورهای اخلاقی به فرزندان دارد از این رو باید تمام واکنشها و برخوردهای تربیتی والدین بسیار حساب شده و در جهت رشد و شکوفایی ارزشهای اخلاقی – اسلامی باشد. و در تمام حالات و لحظه های مختلف زندگی که والدین با کودک در تماس هستند، باید آگاهانه و بر اساس آداب و سنن اسلامی دقیقاً رعایت گردد.

والدین باید تمام باورهای اخلاقی را که فرزندان در زندگی فردی و اجتماعی با آنها مواجه هستند از آداب غذا خوردن، آداب معاشرت، پرهیز از دروغ، پرهیز از لج بازی، بی باکی، شوخی های ناهنجار و... را به کودک بیاموزد و آنها را افرادی ارز یاب، نقاد، هادی و جهت دهنده، صبور و مقاوم بار آورند. و با سختی ها آشنایشان سازند و برای داشتن حلم و بردباری آمادگیشان دهند.

۱- تبیین باورهای اخلاقی والدین در تربیت فرزند

انتقال باورهای والدین به فرزندان، امری است که ناخودآگاه صورت می گیرد و در پایه ریزی شخصیت اخلاقی فرزند به خصوص در هفت سال اول زندگی او نقش اساسی دارد. بنابر این جای آن است که از استعداد های فطری کودکان در زمینه های اخلاقی و قابلیت های نهفته ی ایشان حد اکثر استفاده را بکنیم و آنها را برای رسیدن به کمال و سعادت یاریشان کنیم تا دنیای بهتر و جامعه ای برتر بسازیم.

۱-۱ تربیت اولاد وظیفه سنگین والدین

والدین در سرنوشت فرزندان خود دخالت دارند و از نظر قرآن و روایات اهل بیت تربیت اولاد واجب است آن هم واجب مؤکد و بی تفاوتی نسبت به این امر گناهش بزرگ است، خسران دنیا و آخرتش هم بزرگ است و باید پدران و مادران مواظب باشند.

قرآن می فرماید: «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»؛ «ورشکسته آشکار آن است که برای خاطر اولادش باید جهنم برود». (زمر، ۱۵).

در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله آمده است که «پیامبر صلی الله علیه وآله به بعضی از کودکان نگریست و فرمود: وای بر کودکان آخر الزمان از دست پدران آنها! گفتند ای پیامبر خدا! پدران آنها مشرکین هستند؟ فرمود: نه.

آنها اظهار ایمان می کنند، ولی فرزندان و کودکان خود را تعلیم و تربیت نمی کنند و چیزی از واجبات را به آنها نمی آموزند و اگر فرزندان آنها هم به تعلیم و تربیت مشتاق باشند، پدران آنها را جلوگیری نموده و تنها به مظاهر مادی آنان اهمیت می دهند. آنان کسانی هستند که من از آنها بیزارم و آنها از من بر کنار می باشند». (بروجردی، ۱۳۸۶، ص ۸۵۱).

می توان از آیه قرآن و روایات، متوجه وظیفه ی سنگین والدین شد اما این که می گوییم والدین در سرنوشت فرزند دخالت دارند یعنی این که اگر والدین با تفاوت باشند تربیت زمینه ساز سعادت فرزند است. یعنی تربیت درست والدین اقتضا است نه علت تامه و اگر در امر تربیت پدر و مادر بی تفاوت و بی تقوا شدند این زمینه ساز شقاوت فرزند است ولی علت تامه برای شقاوت فرزند نیست. چه بسیار اتفاق افتاده که

پدر و مادر بی‌تقوا بوده‌اند حتی از نظر غذا، غذای حرام خورده و نطفه‌ی فرزند منعقد شده یا این‌که در تربیت فرزند بی‌تفاوت بوده‌اند یعنی زمینه‌ی شقاوت برای این فرزند فراهم بوده. اما این فرزند در محیط سالمی واقع شد و با دوستان باتقوا سر و کار پیدا کرده و یک انقلاب درونی در او پیدا شد و با اراده‌ی خویش توانست خود را سعادتمند کند.

و بالعکس آن، نیز وجود داشته، که والدین خیلی با تفاوت، عفیف، و غذای حرام و حلال را مراعات کردند و در تربیت فرزندشان تلاش خود را کرده‌اند. اما اتفاقاً با این‌که زمینه‌ی سعادت برایش فراهم بود در یک محیط ناسالم قرار گرفت و رفیق بد همراه او قرار گرفت و یک بچه ناسالم درآمد. با فرض این‌که زمینه سعادت برای او فراهم بود لذا بر والدین واجب است بچه را در راه راست قرار داده زمینه سعادت او را فراهم کنند و این یک واجب مؤکد است و اما این‌که بعد چه می‌شود آن بستگی به عنایات و توفیقات حق تعالی دارد. (مظاهری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹-۱۶۷).

۱-۲ پایه‌ریزی شخصیت اخلاقی کودک

شخصیت انسان و اساس خصوصیات اخلاقی وی از ابتدای کودکی به خصوص در سال‌های اولیه عمر پایه‌ریزی می‌شود. علاقه‌ی فراوان به فراگیری و انعطاف‌پذیری عمیق در برابر تأثیرات رفتار و عکس‌العمل‌های والدین و اطرافیان، ویژه‌ی مرحله‌ی خردسالی است به همین دلیل همه‌ی معلومات، عادت‌ها، عکس‌العمل‌ها، ویژگی‌های اخلاقی که در این دوران، تحصیل می‌گردد، به طور ریشه‌دار و مستحکم و عمیق در روح کودک باقی مانده و بنای اصلی شخصیت و شاکله‌ی وجودی او را تشکیل می‌دهد و بر اساس آن، شخصیت او شکل می‌پذیرد. بنابر تحقیقاتی که به وسیله‌ی دانشمندان رفتارشناس صورت گرفته است، بیش‌تر نابسامانی‌ها و بزهکاری‌های رفتاری در بزرگسالان، نتیجه‌ی تربیت غلط و برخورد ناصحیح در دوران اولیه‌ی رشد است یعنی همان دوران حساسی که کودک در کنار والدین به سر می‌برد. این دوران مهم‌ترین مرحله‌ی زندگی یک انسان و به تعبیر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دوران سیادت و آقای انسان به شمار می‌رود. اگر کودکی در دوران طفولیت در خانواده‌ای پاک و پر مهر و محبت و سرشار از عشق و ایمان به خدا پرورش یافته و عملاً با روش‌ها و اصول تربیتی اسلام رشد یافته باشد، قدرت تفکر و اندیشه‌ی وی در جهت شناخت پدیده‌های طبیعی عالم و در ارتباط با مبدأ آفرینش در جهت درک واقعیت‌های زندگی به صورت خلاق پرورش می‌یابد.

در حالی که اگر در این دوران پربار و حساس تربیتی، از چنین موقعیت‌هایی محروم باشد جبران آن در سنین بالاتر مشکل و در بعضی از مواقع غیرممکن است. (فرهادیان، ۱۳۷۷، ص ۳۹).

هم نوع، سلام و احوال‌پرسی، اخلاقیات، زیباجویی، زیبا کردن زندگی، رسوا جلوه دادن کار زشت، سقوط آدمیت، انحطاط، ترقی، پیشرفت و ... همه و همه از راه داستان امکان‌پذیر است.

از طریق داستان‌ها می‌توان فضائل اخلاقی را در فرزند درونی ساخت. احساسات را رنگ داد و آدمی را نسبت به امری حساس یا بی‌تفاوت کرد.

قصه‌ها باید دارای نتایجی باشند و در این نتایج هدف‌های مهم تربیتی خلاصه شود. مثلاً داستان باید نشان دهد خیانت بد است و عواقب نادرستی دارد، مکافات عمل وجود دارد و دامن‌گیر افراد می‌شود و کسی را از آن گریزی نیست. در مبارزه‌ی حق و باطل باید نشان داد پیروزی با حق است اگر چه به ظاهر همراه و توأم با شکست باشد، احساسات شرورانه ناپود شونده است اگر چه به ظاهر و امروز پیروز باشد. والدین می‌توانند از قصه‌های قرآنی کمک گیرند و باورهای اخلاقی خود را به صورت مصداقی برای فرزند بیان کنند. فی‌المثل برای انتقال باور رازداری، ماجرای حضرت یوسف علیه‌السلام و نگفتن خوابش به برادران به سفارش پدر، برای وفا به عهد ماجرای حضرت اسماعیل علیه‌السلام که به صادق‌الوعد در قرآن ملقب شدند. (قائمی، ۱۳۷۱، صص ۱۷۶-۱۷۳).

برای فرمان‌برداری از امر خدا و رسوا شدن ظلم ظالم داستان گاو بنی‌اسرائیل، باز برای احترام به والدین، ماجرای حضرت یوسف علیه‌السلام و برادرانش و حضرت یعقوب علیه‌السلام، یا برای نشان دادن ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم و اقامه‌ی حق هرچند نفرت کم باشد داستان اصحاب کهف، و داستان اصحاب فیل و پرندگان ابابیل را برای آشکار کردن این که ظلم ظالم به خودش باز می‌گردد، را برای فرزندان مثال بزنند. و به صورت غیرمستقیم الگودهی دهند.

نتیجه

والدینی که آرزو دارند فرزندان صالح، راستگو، معتقد و اهل خیر و نیکی و ... و در کل با اخلاق دینی داشته باشند باید ابتدا به اهمیت وظیفه‌ی سنگین خود پی ببرند و باورهای اخلاقی غلط خود را طبق دیدگاه‌های اسلام تصحیح کنند و حد و مرزهای آموزشی‌شان را در قالب اصول تربیتی مد نظر بگیرند و با صبر و بردباری و به صورت تدریجی و با نرمش همراه قاطعیت این باورها را به فرزندان خود انتقال دهند. برخی از فلاسفه معتقدند که باید فضائل اخلاقی چنان در روح آدمی رسوخ کند که حتی در خواب هم به عمل خلاف نیندیشد و این ممکن نیست مگر آن که عامل نیک از کودکی در وی پرورش یابد والدین که عامل اصلی تربیت فرزند هستند باید از هر موقعیتی بهره ببرند و با تشخیص راهکار مفید باورها و فضائل اخلاقی خود را به فرزندانشان انتقال دهند و والدین زمانی تأثیر گزاف بیشتری بر فرزندان خود دارند که از راهکارها و روش‌هایی چون، تشویق، استفاده از تشبیه و تمثیل و داستان‌گویی و ... استفاده نمایند.

فهرست منابع

۱- قرآن

۲- نهج البلاغه

۳- ابوطالبی، محمد مهدی (۱۳۵۴). تربیت دینی (چاپ-). تهران: انتشارات مؤسسه آموزش و پرورش امام خمینی.

۴- امینی، ابراهیم (۱۳۶۸). آیین تربیت (چاپ یازدهم). تهران: انتشارات اسلامی.

۵- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۰). علل الشرایع، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی. (چاپ اول). قم: انتشارات مؤمنین.

۶- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالحکم (چاپ چهارم). تهران: نشر دانشگاه تهران.

۷- بروجردی، آقا حسن (۱۳۸۶). منابع فقه شیعه، ترجمه عده ای از فضلاء. چاپ اول. تهران: نشر فرهنگ سبز.

۸- پوریا، جواد، مقاله پرورش و جدان اخلاقی، www.pajohe.com، تاریخ مراجعه ۹۳/۱۰/۱۴

۹- حافظ برسی، رجب بن محمد (۱۴۲۲). مشارق أنوار الیقین فی الاسرار امیرالمؤمنین (چاپ اول). بیروت: نشر اعلمی.

۱۰- دهنوی، حسین، مقاله نصیحت کردن کودکان، <http://www.emamraof.ir/index>، تاریخ

مراجعه ۳۱۳۹۴/۶، ساعت ۳۰/۹

۱۱- دهنوی، حسین، نسیم مهر، <http://www.emamraof.ir/index>، تاریخ مراجعه ۱۵/۹۴، ۹/۳/۶

۱۲- راوندی کاشانی، فضل الله بن علی (۱۳۷۶). النوادر، ترجمه احمد صادقی اردستانی. چاپ اول. تهران: نشر بنیاد فرهنگ اسامی کوشا نیور.

۱۳- رفیعی محمدی، نقش موعظه و نصیحت در تربیت، <http://rasakhoon/net/article>، تاریخ مراجعه ۹۴/۳/۶. ۹:۱۵

۱۴- سنگری، محمدرضا (۱۳۹۲). در آفاق تربیت (چاپ سوم). تهران: انتشارات خورشید باران.

۱۵- عبدالواحد بن محمد، نمیمی آمدی (۱۴۱۰ق). نصیینف غرر الحکم و درر الحکم، (چاپ دوم). قم: مرکز نشر دارالکتاب الاسلامی.

۱۶- فلسفی، محمد تقی (۱۳۷۷). کودک از نظر وراثت (چاپ چهارم). تهران: نشر دفتر فرهنگ اسلامی.

۱۷- فرهادیان، رضا (۱۳۷۷). والدین و مربیان مسئول (چاپ اول). تهران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۸- قاسمی، محمد علی (۱۳۹۳). دوران طلایی تربیت (چاپ پنجم). تهران: انتشارات نور الزهرا.

۱۹- قائمی، علی (۱۳۷۱). نقش مادر در تربیت (چاپ هشتم). تهران: نشر بهرام.

۲۰- قائمی، علی، (بی تا). نقش پدر در تربیت (چاپ ۱۲۸). تهران: مرکز نشر امیری.

۲۱- قائمی، علی، (۱۳۷۴). تربیت و بازسازی کودکان (چاپ نهم). تهران: مرکز نشر امیری.

۲۲- قرائتی، محسن (۱۳۷۵). تفسیر نور (چاپ اول). تهران: مرکز نشر فرهنگی درس هایی از قرآن.

۲۳- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۶). اثرات پنهان تربیت آسیب زا (چاپ دهم). تهران: انتشارات آرین.

۲۴- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). کافی (چاپ چهارم). تهران: مرکز نشر دارالکتب الاسلامیه.

۲۵- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۴). الروضه در مبانی اخلاق، ترجمه ی عبد الحسین رضایی. چاپ دوم. تهران: ناشر اسلامیه.

۲۶- مروجی طبسی، محمد جواد (۱۳۹۱). حقوق فرزندان در کتب اهل بیت (چاپ ۱۸). بی جا: نشر بوستان کاب.

۲۷- محدثی، جواد (۱۳۸۴). اخلاق معاشرت (چاپ نهم). قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.